



بررسی بی‌نظمی و رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان

مقدمه

دشواری کنترل دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های سنی آنها روز به روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان احساس ناتوانی می‌کنند و به طور معمول ممکن است برخوردهای نامناسبی با این رفتارها داشته باشند. در زمینه بی‌انضباطی دانش‌آموزان، معلمان باید پاسفگوی سوالاتی از قبیل این سوالات باشند.

۱* بی‌انضباطی چیست و چگونه میتوان انضباط را آموخت ؟

۲* چگونه می‌توان از بروز رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان که نظم و انضباط کلاس را مختل می‌کنند جلوگیری کرد ؟

۳* علل بی‌انضباطی دانش‌آموزان کدامند ؟

۴* چگونه می‌توان این رفتارها را کاهش داد یا از بین برد ؟

در این مقاله سعی کرده‌ام با بررسی منابع علمی و نقد آنها به سوالات فوق پاسخهای مناسب و کاربردی بدهم

تعریف انضباط و بی انضباطی :

نظم و انضباط تعاریف متعددی دارد. عده ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می نامند، برخی معتقدند، نظم و انضباط شامل هر نوع سازماندهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود.

صفوی (۱۳۸۳) می گوید «انضباط عبارت است از : اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می کند و افلال در کلاس را به حداقل کاهش می دهد»

لوفرانسوا (۱۹۹۱) معتقد است «انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می شود که مانع سر زدن رفتارهایی از دانش آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به افلال می کند»

صفوی به نقل از زمانی (۱۳۷۸) «اصغری پور بی انضباطی را اینگونه تعریف می کند : هر نوع رفتاری که از ارزش های پذیرفته شده جامعه به دور است (با توجه به فرهنگ) و دارای تکرار شدت مداومت است و در زمانها و مکانهای متعدد اتفاق می افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است»

ایزابل کلاک «بی انضباطی را رفتاری می داند که از طرف تعدادی از دانش آموزان انجام می شود و مشکلاتی را برای فرد معلم به وجود می آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تمصیلی دانش آموزان است با مشکل روبرو می کند و مانع از پیشرفت کار تمصیلی می شود و رفتار آنان نامعقول و نامنظم است»

با وجود تعاریف بالا بی انضباطی را می توان اینگونه تعریف کرد : انجام دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته نشده و نامعقول توسط دانش آموز که سازماندهی مدرسه و کلاس را مختل یا تهدید به افلال می کند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود باز می دارد.

آموزش انضباط :

انضباط را می توان از کودکی به افراد آموخت زیرا در کودکی افراد می توانند بهتر بیاموزند و بهتر بدان عادت کنند.

علی قائمی راههای زیر را برای نظم بفرستادن به کودکان توصیه می کند.

۱* **آموزش ها :** یعنی باید به کودک آموزش دهیم تا در دنیای جدید بدون سردرگمی زندگی کند.

۲* **تهیه مقررات :** تهیه مقررات و تنظیم آن به کودکان یک کار اساسی است و باید قوانین منطقی در نظر بگیریم.

۳* **تذکرات :** باید از انضباط برای کودک تعریف کرده و آن را لازمی موفقیت بدانیم.

۴* **جنبه الگویی :** باید برای کودک الگو بوده و مجری نظم باشیم و اگر خود منظم نباشیم انتظار نظم از کودک بیهوده است.

۵* **تنظیم برنامه :** باید سعی کنیم با برنامه ای به زندگی کودک نظم بفرستیم.

۶* **نشان دادن آثار :** کودک را باید از فواید نظم و زیانهای بی نظمی آگاه کنیم.

۷* **سپردن مسئولیت :** باید مسئولیت هایی در رابطه با نظم به کودک بسپاریم. برای مثال : مسئولیت نظم اتاق

۸* زمینه سازی برای عدالت: اگر بتوان رعایت نظم را بخشی از زندگی کودک کرد، در آن صورت کودک به آن

عادت فواید کرد.

پیش گیری از بی انضباطی:

پیش گیری از رفتار نامطلوب دانش آموزان به دو دلیل مهم است:

دلیل اول:

عملی «یعنی پیشگیری از بروز رفتار نامطلوب آسان تر از تخریب آن است.»

دلیل دوم:

انسانی «یعنی معلم خود را مسئول اصلاح و برطرف کردن رفتار نامطلوب دانش آموز می داند (کدیور ۱۳۷۹).

کانین (۱۹۷۰) در تمقیق خود به مقایسه رفتار معلمان در کلاس های دارای رفتار نامطلوب و کلاس های عادی پرداخته است و تفاوت این کلاس ها را در نحوه پاسخ گویی معلمان به رفتارهای نامطلوب نمی دانند بلکه آن را ناشی از اقدامات پیش گیرانه ی آنها می داند (صفوی، نقل از کدیور ۱۳۸۳ ص ۱۴۳)

معلم باید به نکاتی که باعث قطع ارتباط در کلاس می شود و همچنین به نیازهای دانش آموزان توجه کند و نباید اجازه ی گسستگی به دانش آموزان دهد و برای پیش گیری از رفتار نامطلوب دانش آموزان به نکات زیر توجه کند:

۱* رفتارهای بی نظم را مشخص و قوانین کلاس را مطرح کند و دانش آموزان ملزم به رعایت آن شوند -

تمقیقات مشییل و روتر نشان داده است که مدرسه ای موفق است که نظامی خوب داشته باشد.

آنها مشخصات نظام فوب را این گونه بیان کرده اند : ۱- تعداد قوانین مدرسه اندک بوده و به طور منظم اعمال می شود ۲- قوانین مرتبط با جامعه تمصیلی آنهاست. ۳- مهمترین مشخصه قوانین قابلیت انعطاف آن است. ۴- فط مشی و مدود روابط دانش آموز و شاگرد مشخص باشد. ۵- تصمیمات متفذه از طرف معلم مستبدانه نباشد. ۶- در جهت موفقیت افراد (دانش آموزان) تدریس می شود. ۷- مدرسه در مرف و عمل نشان می دهد که خواهان حل مشکل دانش آموزان است. ۸- نیاز های دانش آموزان تشفیص داده می شود. ۹- برای حل مشکل دانش آموزان نا منظم هسته ای متشکل از سرمعلم-مقام ارشد و معاون مدرسه وجود دارد.

*۲ به طور انفرادی با افراد نا منظم برفورده کرده دلایل بی نظمی را جویا شوند.

*۳ دانش آموزان باید رفتار مطلوب و مورد نظر معلم را بشناسند.

*۴ بی توجهی به رفتار نا منظم دانش آموزان باعث می شود تا وی احساس کند که معلم فردی ناکارآمد است.

*۵ شرط لازم برای اجرای قوانین قابل درک و فهم بودن آن برای دانش آموزان است.

*۶ آغاز کلاس با جذابیت و تعاقب آن دادن آزادی بیشتر به دانش آموز.

*۷ علاقه مند کردن دانش آموز به درس با یادگیری معنادار (کدیور ۱۳۷۹)

علل بی انضباطی دانش آموزان

بروز رفتارهایی از دانش آموزان که انضباط کلاس را مفتا می کند تنها به معلم، کلاس درس مربوط نیست بلکه علل دیگری نیز نظیر عوامل آزمایشگاهی، خانوادگی، اجتماعی وجود دارند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم زمینه را برای رفتارهای مخرب دانش آموزان فراهم می کنند.

این عوامل را می توان به مواد زیر تقسیم بندی کرد :

الف (علل مربوط به دانش آموزان :

گاهی علل بی نظمی در کلاس ناشی از خود دانش آموزان است، مانند :

- ۱- ناراحتی های جسمی، روحی و روانی
- ۲- نداشتن علاقه و انگیزه
- ۳- سردرگم بودن و بی توجهی به انتظارات معلم و کلاس
- ۴- نداشتن برنامه ی شفصی مطالعه
- ۵- کم جوابی و هستگی مفرط
- ۶- انجام ندادن تکالیف خود
- ۷- نا امیدی به آینده
- ۸- تغذیه نامناسب
- ۹- استقلال طلبی و مقابله با اقتدار معلم (صفوی)

دانش آموزان که مشکلات فاصی ایجاد می کنند در نظر فونتانا شامل دو دسته اند :

۱- شاگردان سرآمد : چون بهره ی هوشی بالایی دارند، سطح درس فیلی پایین تر از توانایی آنهاست پس به طور فاصله فستگی و کسالت مشکلات پدید می آورند.

۲- کودک آسیب دیده شدید : به علت مشکلات بنیادین روانی که در آنها وجود دارند به نوعی

ناسازگاری رسیده اند و رفتارهای نامطلوب را به وجود می آورند(فونتانا۱۹۸۷)

ب (علل مربوط به معلم

۱- فقدان آمادگی جسمی، رومی و روانی معلم

۲- نامناسب بودن وضعیت ظاهری معلم

۳- نا آگاهی از روش های جدید تدریس و استفاده از روش های سنتی

۴- بی علاقهی به شغل معلمی

۵- نا توانی در برقراری ارتباط با دانش آموزان

۶- تبعیض گذاشتن بین دانش آموزان

۷- نا مناسب و نا رسا بودن صدای معلم

۸- نداشتن طرح درس

۹- بی توجهی به دانش آموزان

۱۰- فعال بودن معلم و منفعل بودن دانش آموزان

۱۱- استفاده نا مناسب از تشویق و تنبیه

۱۲- بی موصلهگی و نداشتن صبر و سعه صدر

۱۳- بی نظمی معلم (در آمدن به کلاس ترک زود هنگام کلاس)

۱۴- تسلط نداشتن به موضوع مورد یادگیری

۱۵- بی توجهی به مسائل و مشکلات دانش آموزان

۱۶- مبهم بودن توقعات و انتظارات معلم

۱۷- بروز رفتارها و حرکات نامنظم در کلاس

۱۸- تمقیر و تمسخر دانش آموزان

۱۹- نداشتن (ومیه ی انتقال)پذیری و خودداری از پاسخ گویی به سوالات دانش آموزان

۲۰- نا آگاهی از روش های اصلاح رفتار

۲۱- علاوه بر اینها شفافیت معلم نیز ممکن است نقش عمده ای در بی نظمی و یا برقراری نظم و

انضباط کلاس داشته باشند.

ج) محیط فیزیکی کلاس :

وضعیت فیزیکی کلاس مانند، نظافت و پاکیزگی، برقراری از نور و هوای مناسب، میز و صندلی راحت و

کافی، تخته و وسایل سرمایشی و گرمایشی مناسب نقش انکارناپذیری در ایجاد نظم و انضباط کلاس

دارند (همان).

"مارلند" (۱۹۷۵) در اهمیت محیط فیزیکی کلاس می گوید : «تأثیر فیزیکی کلاس می تواند کمک یا

مانعی در آموزش باشد و بخشی از هنر کلاس داری استفاده ی مناسب از فضای کلاس است » (صفوی،

نقل از زمانی ۱۳۷۸).

تأثر محیط عاطفی کلاس :

علاوه بر عوامل فیزیکی کلاس، عوامل عاطفی مانند تحویض مکرر برنامه درسی، برفورده نامناسب دست اندرکاران ستادی مدرسه بی توجهی به فواسته ها و انتظارات معقول دانش آموزان و ... را می توان نام برد که شرایط و موقعیت را برای بروز رفتارهای نامطلوب دانش آموزان فراهم می کنند.

(د) علل مربوط به خانواده :

صاحب نظران روانشناسی تربیتی یکی از مهمترین نهادهای موثر در تربیت و رفتار آدمی را خانواده می دانند؛ زیرا محیط خانواده اولین و بادوام ترین عامل تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان می باشد عوامل متعددی می تواند در رفتار کودکان و نوجوانان تاثیر بگذارد (ازجانب

خانواده) که در زیر به آنها اشاره می کنیم :

*** فضای روانی و عاطفی :**

منظور مجموعه روابط و تعاملات روانی و عاطفی است که بین اعضای خانواده وجود داشته باشد و بصورت مستقیم (آموزش های اخلاقی و ...) یا غیر مستقیم (همانند سازی و تقلید و ...) رفتار فرزندان تمت تاثیر قرار می دهد.

*** شرایط نا سالم خانوادگی :**

شامل شرایطی مانند طرد کودک، تنبیه شدید، عدم توجه به نیازهای اساسی کودک، انتظار نابجا از کودک و ... می باشد.

۳* فقدان والدین :

نبود هر یک از والدین به فصوص مادر چنانچه با کمبود ارضای نیازهای طبیعی و اساسی همراه شود اثرات ناگواری در شرایط اجتماعی کودک فواهد گذاشت.

۴* عدم ثبات قوانین و معیارهای اخلاقی :

چنانچه در محیط خانه اصول اخلاقی معینی مکم فرما نباشد یا اینکه اصول ثابت باشند و یا برای کودک تبیین نگردند در ایجاد مشکلات رفتاری کودک نقش فواهند داشت.

۵* ترتیب ولادت :

از دیدگاه "آلفرد آدلر" ترتیب در ولادت در رفتارهای افراد نقش دارد، آدلر معتقد است جایگاه ویژه فرزندان با تولد فرزند بعدی تهدید می شود و فرزند آخر نگران از دست دادن موقعیت خود فواهد بود. اختلالات خانوادگی و بی نظمی دار خانواده سبب تاثیر نا مطلوب در رفتار فرد شده و زمینه لازم را برای بروز رفتارهای مغرب فراهم می آورد و به این ترتیب نظم و انضباط کلاس را به هم می زند.

ه (علل مربوط به روابط اجتماعی :

عوامل اجتماعی اغلب به طور مستقیم تأثیر شگرفی در رفتارهای دانش آموزان می گذارد (همان) از

بین عوامل اجتماعی موثر در رفتارهای دانش آموزان به موارد زیر اشاره می کنیم :

۱- طبقه اجتماعی :

شامل مواردی مانند میزان سواد والدین، فرهنگ ماکم بر خانواده و ... که هر کدام به نوعی تأثیر

دارد.

۲- گروه همسالان :

مهمترین الگوی کودکان پس از والدین که تأثیر زیادی دارند

۳- عوامل اجتماعی دیگر :

از قبیل تلویزیون که به عنوان الگوی رفتاری از عوامل مهم تعیین کننده در رفتار است

و (عوامل روانی :

از عوامل روانی موثر می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- **تعارض :** یعنی فرد در مقابل دو هدف قرار گرفته که قادر به انتخاب یکی نیست پس با انتخاب

یکی در مقابل دیگری احساس مبرومیت می کند و موجب پدیدار شدن فشار و ناراحتی می شود

۲- **ناکامی :** منظور ناراحتی شدید از نرسیدن به یک هدف است. وقتی برای رسیدن به چیزی از لحاظ

روانی برنامه ریزی می کنیم و به آن نمی رسیم دچار سرگردانی شده و موجب ناراحتی می شود.

۳- **استرس :** هنگامی که مجموعه ای از عوامل روانی درونی و بیرونی در ذهن فرد تبدیل به سافتار

تهدید کننده یا آسیب روانی می شود موجب ایجاد فشار و ناراحتی روانی می شود.

برخی از راههای از بین بردن یا کاهش عوامل بی نظمی

**** برای کاهش عوامل بی نظمی دانش آموزان باید میان فانه و مدرسه هماهنگی وجود داشته باشد**

**** برای کاهش عوامل بی نظمی معلمان باید معلم آمادگی تغییر رفتارهای به به عنوان واکنشی نسبت به مقایق آشکار شده توسط مشاهده را داشته باشد.**

**** برای کاهش عوامل بی نظمی موثر از کلاس باید شرایط فیزیکی کلاس را بهتر کنیم و روابط بین کارکنان و دانش آموزان بهتر شود.**

**** برای کاهش این عوامل در خانواده باید والدین فرزندان خود را به انضباط تشویق کرده و وظایف شان را در قبال فرزندان خود به خوبی اجرا کنند.**

رہهای کاهش یا حذف رفتارهای بی نظمی

در آموزش و پرورش وظیفه معلمان تنها این نیست که به ایجاد و تقویت رفتار مطلوب اقدام کند بلکه باید رفتارهای نامطلوب دانش آموز را نیز کاهش دهد و یا از بین ببرد. برای از بین بردن رفتارهای نامطلوب روش های زیر توصیه می شود :

۱- خاموشی :

برای اینکه رفتار نامطلوب دانش آموز ادامه نیابد می بایست شرایط طوری فراهم شود که برای انجام دادن آن رفتار نامطلوب پاداشی دریافت نکند.

۲- اشباع :

رفتار نامطلوب شاگرد به مدت طولانی تقویت می شود تا دانش آموز اشباع شود و احتمال تکرار آن کاهش یابد یعنی درست برعکس خاموشی و این روش بر خلاف تنبیه عوارض جانبی ندارد.

۳- **تقویت رفتار مغایر :** رفتاری که مغایر با رفتار نامطلوب است تقویت می کنیم که فد از یک

اصل روانشناسی ناشی می شود که انسان نمی تواند خود را همزمان روی دو رویداد مخصوصا

اگر مغایر باشد متمرکز کند.

۴- **محروم کردن :** یعنی دانش آموز به خاطر رفتار نامطلوبی که انجام داده است از دریافت

تقویتی محروم می شود برای مثال دانش آموزی که به کلاس علاقه مند است به علت بی

انضباطی از کلاس اخراج می شود.

۵- **جریمه کردن :** یعنی کم کردن مقداری از عامل تقویت کننده به دلیل انجام رفتار نامطلوب

برای مثال کسر چند نمره به دلیل شیطنت یا بی نظمی.

مشاوه و مذاکره با دانش آموز نامنظم :

معلم می تواند در برابر دانش آموز نامنظم از شیوه صمیمیت آرام استفاده کند که بر اساس

شیوه های مشاوره **ولفگانگ** و **کلیمن** می باشد، در این روش معلم مشاوره می کند چون

دانش آموز در کلاس او بی نظمی کرده و معلم می داند در آن هنگام دانش آموز مشغول

چه کاری است و آن شرایط را به خوبی می شناسد معلم در مشاوره می تواند از نظرات

دانشمندی چون گلاسر ، ردل و ... استفاده کند. این دانشمندان تاکید کرده اند که در بازبینی

بی انضباطی دانش آموز باید موقعیت فعلی وی در نظر گرفته شود در این هنگام معلم نباید

از انتقاد زیاد استفاده کند چون باعث می شود دانش آموز حالت تدافعی به خود بگیرد و بهانه

های بیشتری بتراشد. معلم باید از طریق مذاکره ای صمیمی به دانش آموز بفهماند کارش تا

چه اندازه زشت بوده است و بازنده ی اصلی نیز خود اوست و اگر این رفتار نامطلوب را ترک

کند سود زیادی خواهد کرد. برای این کار معلم باید « از باب پرسش » طبق نظر گلاسر وارد

شود برای مثال از شاگرد می پرسد «چرا به این کار (بی نظمی) پیشنهاد شدی» و به بهانه تراشی های وی توبه پندانی نمی کند در واقع معلم اعتقاد خودش را که رفتاری هر قدر هم غیر قابل قبول و نامطلوب باشد هدف دار است اعلام می کند این همان نکته ای است که گلاسر به آن تاکید دارد.

اصل تقویت منفی : برای اینکه دانش آموز را از انجام رفتار نامطلوبی باز داریم باید ترتیبی بدهیم که هر زمان رفتار او در جهت مطلوب تغییر کرد به موقعیتی که برای او ناخوشایند بوده است پایان می دهیم. در کاربرد این اصل پایان دادن باید به آسانی امکان داشته باشد زیرا در غیر اینصورت ذلنش آموزش فایده ای در تغییر دادن رفتار خود نمی بیند

تنبیه :

یعنی اضافه کردن یک محرک بیزار کننده به ممیط پس از انجام رفتار نامطلوب این روش معایبی دارد :

- ۱- باعث نابودی رفتار نمی شود و فقط آن را واپس می زند
- ۲- سبب ترس یا نگرانی شدید می شود
- ۳- از توبه دانش آموزان به فرد تنبیه گر کاسته می شود و به دستورهای او عمل نمی کند.

نتیجه گیری

پس از تجربیات ۲۴ ساله به این نتیجه دست یافتیم که بی انضباطی هر گونه رفتاری از جانب دانش آموز است که سازماندهی کلاس و مدرسه را مختل یا تهدید به افلال میکند

می توان انضباط را از کودکی آموخت یعنی والدین می توانند با آموزش ها، تذکرات،

نشان دادن آثار و ... نظم و انضباط به فرزندان بیاموزند.

در بررسی علل بی انضباطی به این نتیجه رسیدیم که تنها دانش آموز عامل مطلق بی انضباطی

نیست و این رفتار می تواند از عواملی همچون معلم، کلاس (معیط فیزیکی یا عاطفی)، خانواده

و ... ناشی شود و می توان این عوامل را کاهش داد ما می توانیم از این رفتارهای نامطلوب

پیش گیری کنیم که برای پیشگیری نیز راه هایی چون موارد زیر پیشنهاد شد :

به کارگیری روش های فعال تدریس

وضع قوانین کلاسی

جويا شدن علل بی انضباطی

برفورد با این رفتار ها و ...

برای کاهش یا مذف این رفتار ها نیز کارهایی چون : فاموشی، ممروم کردن، مشاوره و مذاکره و

... را نام برده برفی محاسن و محایبشان را بیان نمودم و آنها را پیشنهاد کردم./

مریم هوداد

سال تمصیلی ۹۱ - ۹۰